

# دفاع مشروع در بستر خشونت اجتماعی

15 شهریور 1401

وقتی آمار خشونت اجتماعی تا بدان حد بالا می‌رود که يك افغانی سابقه‌دار مرتکب 100 فقره زورگیری خیابانی می‌شود، وقتی هیچ کس جرات نمی‌کند در خیابان موبایل خودش را آزادانه از کیف خارج کند چون در لحظه موبایل‌قاپ‌ها آن را می‌زدند و می‌برند. وقتی آمار سرقت‌های خیابانی و خانگی افزایش غیر قابل باوری می‌یابد و کسی جرات نمی‌کند لحظه‌ای خانه و زندگی‌اش را تنها و بدون نگهبان رها کند و برود، این آمار میلیونی و این تعداد کثیر سرقت‌ها جز افزایش خشونت اجتماعی دلالت بر چه واقعیتهایی دارد؟ يك میلیون پلیس خیابانی که نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم که در مقابل این تعداد از سرقت مقابله کنند. عموم سرقت‌های خیابانی و خانگی را پس از پایان کار تازه به پلیس 110 یا دیگر نیروها گزارش می‌کنند. فقط در شهر تهران طبق آمار «مثلا سال 97» بیش از 500 هزار فقره نزاع خیابانی رخ داده که تعداد زیادی از آنها به ضرب و جرح و صدمات کلی منتهی می‌شوند و برخی با نقص عضو باید تا آخر عمر علیل و گوشه‌گیر شوند و آمار برخی **قتل‌ها** و جنایات عمده از درون همین نزاع‌ها سر بر می‌آورد. بسیاری از این خشونت‌ها که در غیاب پلیس رخ می‌دهند، ممکن است توسط دوربین‌ها ثبت و ضبط شوند، در بسیاری از موارد مرتکبین جرم دستگیر می‌شوند و تحت مجازات قرار می‌گیرند اما برای آن‌که به قتل رسیده چه فایده‌ای دارد؟ آیا زنده می‌شود؟ برای آن‌که صدمات کلی دیده جز جبران خسارت مالی و حبس کشیدن مرتکب چه اثری دارد؟ آیا به نحوی امکان مقابله در برابر این حوادث از طرف مردم غیرممکن است؟ چرا در برخی کشورها حمل سلاح آزاد است؟ توجیه عمومی و شاید قانونی برای این تجویز نگهداری و حمل اسلحه عموماً دفاع فردی است. اینکه در برابر خطرات آبی، حملات ناگهانی و شرایطی که بیم مرگ و زندگی می‌رود شخص بتواند از اسلحه استفاده کند و در آن لحظات بحرانی از خودش دفاع کند. گرچه همین ماجرای صدور مجوز برای نگهداری اسلحه در يك کشوری مثل آمریکا سالانه سبب وقوع صدها حادثه تیراندازی و مرگ شهروندان می‌شود و بیشتر قتل‌ها با اسلحه رخ می‌دهند تا بدانجا که دانش‌آموزان حتی در مدرسه، یا مردم در رستوران‌ها یا کلیسا یا معابر عمومی شهروندان را به رگبار سلاح می‌بندند اما پشت سر این قضیه غیر از تجارت نامشروع کارخانجات تولیدکننده اسلحه، موضوع عمومی دفاع مشروع ایستاده است و گرچه این ماجرا به گذشته‌های دور تاریخی کشور آمریکا بر می‌گردد زمانی که کابوئی‌ها در کشور با سیستم مسلحانه زندگی می‌کردند طبعاً زد و خورد مسلحانه روزمره بود و همین ایجاب می‌کرد همه اسلحه داشته باشند. در بسیاری از کشورها موضوع دفاع از خانه و زندگی، از خانواده و اعضای آن، دفاع از حریم روستا و اساساً دفاع شخصی در زمان بروز خطرات جانی و مالی به شهروندان اجازه دفاع مشروع را داده است.

این روزها فیلم چندین خبر داغ در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود. مرد جوانی خودش را به اتومبیلی که راننده‌اش دختری تنهاست رسانیده و با چاقو یا قمه گردن او را هدف قرار داده، این کار را پشت چراغ قرمز و در روز روشن انجام داده است و بدین‌وسیله با تهدید به قتل طلاجات و موبایل و جوه نقدي او را گرفته و رفته است.

آیا زن یا مردی که مورد تهدید قرار گرفته‌اند که اگر تکان بخورند جان‌شان را از دست می‌دهند، فقط باید ساکت بمانند و بی‌حرکت باشند تا سارق مسلح به خواسته‌اش برسد؟ آیا شهروندان حق ندارند از خودشان و اموال‌شان دفاع کنند، اگر حرکت آنها سبب صدمات جانی به سارقین شود قضیه دفاع مشروع تلقی می‌شود یا خیر؟ آیا باید در انتظار محاکمه و زندان باشند؟

مساله آن است که ترس ارتکاب جرم و محاکمه شدن و سابقه‌دار شدن و زندان رفتن و گرفتار دادگاه و پاسگاه شدن‌ها خیلی‌ها را از ورود به عرصه دفاع برحذر می‌دارد مگر آنکه قهرا و جبرا در شرایطی قرار بگیرند که دست به هر عملی بزنند.

دفاع مشروع يك حق است؛ حقی که به شهروندان اعطا شده است تا در مواقع خطر از آن استفاده کنند، خطری که آنی است و در لحظاتی که دست افراد به جایی نمی‌رسد، امکان استمداد از مامورین را ندارند و تا مامورین را مطلع کنند و آنها به کمک‌شان بشتابند دیر شده و مهاجم صدمه خودش را وارد کرده است. خطر حتمی است، خطر فوری است یا قریب‌الوقوع است راهی برای گریز از آن شرایط هم وجود ندارد، شخصی که مورد حمله قرار گرفته نمی‌تواند فرار کند. او را پشت فرمان ماشین محاصره کرده‌اند و با اسلحه گرم یا سرد هدف قرار داده‌اند. کسی هم به دادش نمی‌رسد، کسی یا کسانی نیستند و اگر هم حاضر باشند به جایی آنکه به کمکش بشتابند فقط دارند از صحنه فیلم می‌گیرند. آیا شخص در آن لحظه نمی‌تواند از خودش دفاع کند؟

قانونگذار تاسیس دفاع مشروع را از دیرباز در قوانین جزایی کشورمان مورد توجه قرار داده و به شهروندان این حق را داده است تا در برابر هر گونه تجاوز یا خطری از خود دفاع کنند و دادگاه‌ها در صورتی که دفاع مشروع تحقق پیدا کند آن را جرم نمی‌دانند، به معنی دیگر فعلی و عملی که يك مدافع انجام می‌دهد در حالت عادی جرم است و شایسته مجازات اما شرایط دفاع مشروع که تحقق پیدا کند دیگر آن اعمال جرم محسوب نمی‌شوند. این دسته از شرایط با گذشت زمان در قوانین تغییر کرده‌اند و نگاه قانونگذار در طول سالیان به توجه بیشتر به شهروندان معطوف شده است، آن شرایط به طور خلاصه به شرح زیر است که در آن صورت شخص دفاع‌کننده مجازات نخواهد شد:

باید رفتار و عملیاتی که يك مدافع انجام می‌دهد برای دفع تجاوز ضرورت داشته باشد و تنها راه رهایی شخص از حمله و خطر باشد مثلا اگر فرد بتواند فرار کند دیگر جایی برای دفاع باقی نمی‌ماند. باید قرائن معقول برای استناد به دفاع وجود داشته باشد و خوف عقلایی و ترس واقعی وجود داشته باشد که مدافع برای حفظ جان و مال و ناموس خود مجبور به انجام دفاع بوده است.

خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد صورت نگرفته باشد، یعنی اگر شخصی خودش نزاع درست کند و زد و خورد کند دیگر نمی‌تواند ادعای دفاع داشته باشد. کمک گرفتن از نیروهای دولتی عملا ممکن نباشد یا حضور و دخالت آنها تاثیری نداشته باشد، یعنی وقتی برسند که دیگر کار از کار گذشته و مهاجم به نیت و اعمال مجرمانه‌اش رسیده باشد.

با توجه به اوضاع کنونی شهرها و گسترش مسائل حاشیه‌نشینی و تورم مهار گسیخته و بیکاری از يك طرف و شرایط گسترش اختلال روانی در شهروندان از سوي دیگر و افزایش وجود سلاح (گرم و سرد) که در اختیار افراد کثیری قرار دارد، همه اینها شرایط را برای ارتکاب جرم مهیا کرده است. نگاهی به آمار سرقت و نزاع‌های خیابانی، اختلافات خانوادگی و افزایش آمار [طلاق](#) در خانواده‌ها از جمله مواردی است که وجود مهاجم و امکان حمله به شهروندان برای سرقت اموال آنها و طمع به نوامیس مردم يك موضوع پنهانی نیست و طبق آمارهای تحقیقی همه اینها روشن است. گسترش روزافزون تصادفات منجر به مرگ و جرح و نظایر آن همه از جمله مواردی هستند که زمینه را برای تهاجم به

شهروندان افزایش می‌دهند، در چنین شرایطی يك شهروند بی‌گناهی که هدف هجوم مسلحانه مشت‌آراذل و اوباش خیابانی یا سارقین مسلح و زورگیرهای خشن قرار گرفته است چه تکلیفی دارد؟ آیا باید دست روی دست بگذارد تا اموالش به غارت بروند، عزیزانش مصدوم و مجروح شوند یا جان خودش در شرف خطر قرار بگیرد؟

دادگاه‌ها به سختی می‌پذیرند که ادعای يك شخص که می‌گوید جان خودم یا زن و بچه‌هایم یا اموال و هستی‌ام در خطر بود و ناچار به اقدام عملی بودم صحت داشته باشد. تعداد آرای دادگاه‌ها که قضیه را دفاع دانسته باشند بسیار کم و محدود است، دادگاه‌ها انگار به شرایط جامعه و اوضاعی که شهروندان در آن گرفتارند هیچ توجهی ندارند و همین شهروندان را محتاط کرده است تا دست به هیچ اقدام عملی نزنند.

سال‌ها پیش سارقی شبانه وارد منزل شهروندی شده بود و مشغول سرقت بود که صاحبخانه ناچاراً حین زد و خورد او را با گلوله هدف قرار داده بود اما دادگاه این اقدام را دفاع ندانست، یعنی موارد روشن و واضحی را دفاع ندانسته‌اند. انگار ادعای يك نفر وقتی در دادگاه می‌گوید در مقام دفاع مثلاً اسلحه کشیدم اظهارات متهم را يك حيله و تقلب می‌دانند تا بدین‌وسیله از قید مجازات رها شود.

من نمی‌گویم همه ادعاهای دفاع را باید پذیرفت حرفم آن است که نگاه دادگاه‌ها و قضات رسیدگی‌کننده با توجه به شرایط جامعه و افزایش جرایم باید تغییر کند. باید تفاوت داشته باشد والا شهروندان ترسیده و نگران هیچ‌وقت از خودشان دفاع نمی‌کنند. آیا نگاه قضات نباید تغییر کند و با تحول روبه‌رو شود؟ آیا شرایط سخت دفاع در قانون جزا نباید کمی آسان‌تر شود و با مسامحه به موضوع نگاه کنند؟

خاطر می‌آید که چند سال پیش در یکی از شهرستان‌های کشور وکالت در پرونده‌ای را برعهده داشتم. موضوع آن بود که مردی به اتفاق همسر و فرزندان خردسالش با اتومبیل از روستایی خارج شده بود تا به شهرستان برود. در میان جنگل‌ها و در يك تنگه عده‌ای با چوب و چماق و قمه و شمشیر راه بر او بسته بودند، اتومبیل وی را با ضربات شمشیر و چوب و قمه کاملاً تخریب کرده بودند، خود راننده را هم از قسمت پاهای او سر و دست با چوب هدف قرار داده و صدمات بدنی کلی بر او وارد کرده بودند.

راننده که دیده بود جان خودش و زن و بچه‌اش در خطر است در مقام دفاع از صندوق عقب ماشین تفنگ شکاری را که در روستاها نگهداری آن برای پرندeh‌زنی مرسوم است، خارج کرده و شلیک‌هایی در مقام دفاع برای ترسانیدن مهاجمین انجام داده بود که ساچمه‌ها پراکنده شده و به عده‌ای اصابت کرده بودند و سرانجام يك نفر از مهاجمان هم فوت کرده بود.

این راننده ادعای دفاع داشت و اینجانب جزییات دفاع مشروع را با نظریه کارشناسی و شهادت شهود و گزارش‌های مامورین به عرض قضات رسانیدم اما درباره وی به جهت قتل عمدی حکم قصاص صادر شد.

در بسیاری از موارد ادعای دفاع می‌شود اما با شرایط مطابقت ندارد و نباید دفاع مشروع را پذیرفت و باید آن را مردود اعلام کنند اما در کلیت ماجرا یکی از معضلات قانونی آن است که دفاع مشروع در دادسرا پذیرفته نیست و آن را به دادگاه محول می‌کنند و استدلال حقوقی آن است که هر کسی دفاع کرده از مجازات معاف است، پس دادسرا موظف است به قضیه رسیدگی نموده و رسیدگی به ادعای دفاع مشروع را به دادگاه محول نماید. چرا که تعیین مجازات با دادگاه است نه دادسرا و همین‌ها بار دادگاه را سنگین‌تر می‌کنند و اجازه نمی‌دهد تا با مهربانی و لطف بیشتری به این ماجرا نگاه کنند و تصمیم بگیرند. چون دادسرا قانوناً خودش را از مقوله دفاع کنار کشیده، بازهم تکرار می‌کنم همه ادعاهای دفاع با واقعیت مطابقت ندارند و تعداد کثیری از آنها مردود است اما امر دفاع مشروع باید در جامعه و

سیستم قضایی بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا شهروندانی که در خطر قرار گرفته‌اند، بتوانند از خود دفاع کنند. چراکه در بستر این همه خشونت اجتماعی که چون سیلی خروشان جامعه را محاصره کرده است توجه به دفاع مشروع از سوی شهروندان گرفتار جدا جایی تعمق دارد.

حمیدرضا گودرزی/اعتماد/5397